



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

تاریخ: ۶ دی ۱۴۰۲

مصادف با: ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۴۵

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۱. پول - تحلیل ماهیت پول - نظریه شهید صدر (قدرت خرید) -

نظر بعضی از شاگردان شهید صدر و تفاوت آن با نظر شهید صدر - نظریه ارزش اسمی

جلسه: ۱۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در تحلیل ماهیت پول بود؛ عرض کردیم انظاری در این رابطه وجود دارد؛ ما به آراء و انظاری که جنبه رئیسی دارد و بقیه نظرات هم به آنها برمی‌گردد، می‌پردازیم (صرف نظر از تأثیراتی که در بحث ما دارد و ما بعداً رسیدگی خواهیم کرد). نظریه قدرت خرید مطرح شد؛ پیرامون برخی از ابعاد و جهات آن اشاراتی داشتیم؛ البته هنوز برخی جهات و ابعاد آن باقی مانده که در قسمت‌های بعدی ان شاء الله بیان خواهیم کرد. اینکه مثلاً مال است یا مال نیست، مالیت دارد یا نه، مثلی است یا قیمی؛ اینها همه جهات مختلفی است که ما در رابطه با پول به صورت کلی باید مطرح کنیم.

نظر بعضی از شاگردان شهید صدر

در ذیل نظریه قدرت خرید، انظار دیگری هم وجود دارد که در برخی از جزئیات با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند؛ یکی از انظار که در جلسه گذشته به آن اشاره کردیم، نظر مرحوم آقای هاشمی شاهرودی از شاگردان شهید صدر است که در نوشته‌ای تفصیلاً مسأله کاهش ارزش پول و ضمان ناشی از آن را بررسی کرده‌اند. چون در آینده دلایل و اشکالات ایشان متعرض خواهیم شد، اینجا تنها نظر و بیان ایشان را درباره ماهیت پول ذکر می‌کنیم و فعلاً وارد آن بخش نمی‌شویم.

ایشان می‌گویند مالیت پول‌های حقیقی مثل درهم و دینار ناشی از خود درهم و دینار است؛ لذا اگر ارزش طلا و نقره کاهش پیدا کند، مثل بقیه اموال مثلی بر عهده این شخص ثابت نمی‌شود. اما پول اعتباری به دلیل اینکه فی نفسه ارزش مصرفی ندارد و صرفاً برای مبادله و داد و ستد مورد استفاده قرار می‌گیرد، ارزش مبادله‌ای آن و توان خرید و قدرت خرید که با پول اعتباری حاصل می‌شود، از نظر عرف و عقلاً مثل صفت حقیقی است؛ ایشان معتقد است ارزش مبادله‌ای پول اعتباری به توان خرید و قدرت خرید است. لکن ایشان یک تفصیلی ذکر می‌کند و می‌گویند ارزش مبادله‌ای پول اعتباری گاهی ناشی از قدرت دولت صادرکننده است و گاهی ناشی از اثرگذاری عرضه و تقاضا. قدرت خرید و ارزش مبادله‌ای پول اعتباری مثل اسکناس، گاهی به سبب دولتی که این پول را اعتبار کرده و پشتوانه‌هایی که دارد و مؤلفه‌های قدرت است و این از نظر عرف صفت حقیقی است؛ اما اگر این توان خرید ناشی از قوانین حاکم بر اقتصاد مثل عرضه و تقاضا باشد، کاری به قدرت دولت صادرکننده آن پول و اعتباردهنده نداشته باشد، این ارزش مبادله‌ای در نظر عرف صفت حقیقی محسوب نمی‌شود. یعنی کآن می‌خواهد بگوید ما دو نوع قدرت خرید داریم؛ تفاوت نظر ایشان با شهید صدر هم در همین نقطه است که ما یک وقت قدرت خرید پول اعتباری را ناشی از دولت می‌دانیم؛ دولت رسماً آنچه که به عنوان اعتبار قرار می‌دهد، آن قدرت خریدی که دولت ایجاد می‌کند، این صفت حقیقی است. من مثال می‌زنم؛ دولت چطور می‌تواند در چنین چیزی نقش داشته باشد؟ فرض بفرمایید

اعتبار و قدرت دولت کاسته شود و دولت ضعیفی باشد، طبیعتاً این در ارزش پول و ارزش مبادله‌ای پول اعتباری اثر می‌گذارد. یا مثلاً قدرت سیاسی دولت بالا اما توان اقتصادی آن کم باشد و برای جبران کمبودها دست به انتشار اسکناس و پول بزند، بدون اینکه پشتوانه واقعی داشته باشد. این مسأله متفاوت است با آنجایی که این بالا و پایین رفتن قدرت خرید به سبب کمبود عرضه یا تقاضا باشد، یا افزایش عرضه و افزایش تقاضا. اینجا به نظر عرف این ارزش مبادله‌ای و این توان خرید یا قدرت خرید مثل صفت حقیقی نیست. آن وقت بین این دو تفاوت ایجاد می‌شود، در یکی ضمان ثابت است و در دیگری ثابت نیست. این کأن یک تفصیلی است در ذیل نظریه قدرت خرید؛ طبیعتاً ادله خاص خودش را دارد. من یک اشاره‌ای از نوشته‌جات ایشان که در مجله فقه اهل بیت (ع) تحت عنوان «احکام فقهی کاهش ارزش پول» چاپ شده، داشته باشم. ایشان می‌گویند:

«از ادله ضمان در شریعت و نزد عقلا می‌توان چنین نتیجه گرفت که ضمان تنها در مال است و نه مالیت. مالیت در کالای حقیقی تنها حیثیت تعلیلیه است و بر عهده نمی‌آید؛ اما در پول‌های اعتباری صرف چنین نیست، زیرا ارزش و توان خرید همه هستی و اساس آنهاست و از این رو حیثیت تقییدیه (معیار و موضوع) است؛ بدین معنا که مالیت پول اعتباری به اندازه ارزش مبادله و توان خرید آن است و به جنس حقیقی‌اش وابسته نیست، زیرا جنس آن ارزش نداشته و اعتبار آن نیز بی‌بها است. چون اعتبار به خودی خود مال نیست و مالیت به دنبال پشتوانه آن می‌آید؛ این توان اقتصادی صادرکننده است که در حقیقت این برگه‌ها را دارای توان خرید و ارزش مبادله‌ای می‌گرداند. معنای این سخن آن است که ارزش و مالیت این برگه‌ها درست به اندازه قدرت خرید آنهاست و نه چیز دیگر. بنابراین ناگزیر جایگزین همسان (مثل) پول دریافت شده یا از میان رفته، معادل خود آن پول در قدرت خرید و مبادله از همان نوع پول است.»^۱

ایشان اصل اینکه ارزش پول اعتباری به قدرت خرید و ارزش مبادله‌ای آن است، را مؤکداً قبول دارند؛ منتهی فرق می‌گذارند بین ارزش مبادله‌ای برخاسته از قدرت دولت صادرکننده و ارزش مبادله‌ای برخاسته از قاعده و قانون عرضه و تقاضا. بین اینها فرق می‌گذارند و می‌گویند از نظر عرف ارزش مبادله‌ای در صورت اول مثل یک صفت حقیقی است، اما در صورت دوم از نظر عرف این صفت حقیقی محسوب نمی‌شود؛ لذا این مورد ضمان است. تشبیه می‌کند که این دگرگونی‌هایی که پدید می‌آید، مثلاً دولتی بدون پشتوانه اقدام به انتشار و چاپ پول می‌کند، این مثل حالت‌های زودگذر در برخی کالاهاست؛ برخی کالاها فصلی مثل یخ در تابستان، آب در کویر، این نزد مردم مورد ضمان است، لذا هنگام بازپرداخت باید چیزی که مثل آن باشد پرداخت شود و صرفاً اینکه کسی یخی را در تابستان که به سرعت آب می‌شود و شدید مورد نیاز است بگیرد و در زمستان بخواهد پس بدهد و بگوید از تو یخ گرفته‌ام و حالا هم به تو پس می‌دهم، این مثل نیست و اینطور نیست که بگوید تو به من یخ دادی و من هم به تو یخ می‌دهم. یا در کویری که آب مورد نیاز بوده و از تشنگی در حال تلف شدن بوده، آنجا از یک کسی آب بگیرد و بعد در جایی که آب مجانی و فراوان است بگوید من به تو آب می‌دهم. این مهم است که مالیت این کالا یا پول اعتباری با هم فرق دارد؛ مالیت در کالای حقیقی به نظر ایشان صرفاً حیثیت تعلیلیه است اما در پول اعتباری حیثیت تقییدیه است؛ نتیجه این دو حیثیت و ملاحظه این دو حیثیت در همین مسأله ضمان و برخی امور دیگر آشکار می‌شود. آن چیزی که در پول اعتباری مهم است، قدرت خرید است و نه جنس حقیقی آن.

۱. مجله فقه اهل بیت (ع)، سال ۱۳۷۴، شماره ۲، ص ۷۳، با عنوان «احکام فقهی کاهش ارزش پول».

اینکه این تفصیل آیا قابل قبول است یا نه و چطور بین این دو تفکیک کنیم و واقعاً بر چه اساسی می‌گوییم عرف آن یکی را صفت حقیقی می‌پندارد و این یکی را صفت حقیقی نمی‌داند، این را بعداً بررسی می‌کنیم؛ چون بعداً این مطلب را در مسأله اصلی خودمان مطرح خواهیم کرد. عمده این است که نظریه قدرت خرید و اینکه ماهیت و اساس پول اعتباری چیزی جز قدرت خرید نیست، طرفداران جدی دارد. دیگران هم هستند و این را پذیرفته‌اند، لکن تعابیر مختلف یا اختلافاتی در جزئیات دارند.

نظریه ارزش اسمی

در مقابل نظریه قدرت خرید، نظریه ارزش اسمی است؛ یعنی نظریه‌ای که پول را صرفاً با ارزش اسمی به رسمیت می‌شناسد؛ می‌گوید پول اعتباری چیزی جز ارزش اسمی نیست. اینها با صاحبان نظریه و دیدگاه اول اشتراکاتی دارند؛ هر دو مثلاً برای پول مالیت قائل هستند. این را هم توجه کنید که بین مالیت و مال فرق است؛ یک چیزی ممکن است مالیت داشته باشد اما در مورد مال بودن آن خدشه شود. نوعاً اینها هم برای پول مالیت قائل‌اند و معتقدند پول اعتباری مالیت دارد و مثلی است و احکام مثلی را بر آن بار می‌کنند؛ لکن بحث این است که مقوم مثلث آن چیست؟ اینجاست که اختلاف پیدا می‌شود. یک عده‌ای مقوم مثلث پول اعتباری را قدرت خرید می‌دانند که شرح دادیم؛ عده‌ای معتقدند مقوم مثلث پول اعتباری، ارزش اسمی است؛ ارزش اسمی یعنی اعداد و ارقامی که روی کاغذ نوشته شده است. می‌گوید این کاغذ و این اسکناس که مثلاً روی آن نوشته یک میلیون ریال و شما با این می‌توانید یک مقدار کالا یا خدمات دریافت کنید، این عدد مندرج در این کاغذ که یک ارزش اسمی است و یک عنوان است، یک عددی است که روی این کاغذ نوشته‌اند؛ ارزش مبادله‌ای پول در همین است که روی آن نوشته‌اند؛ اصلاً قدرت خرید و اینها یعنی چه؟ اینها به کسانی که معتقدند ماهیت پول همان قدرت خرید است، اشکال می‌کنند. ما فعلاً نمی‌خواهیم این اشکالات را بررسی کنیم، می‌خواهیم با نظر اینها آشنا شویم؛ به دیدگاه اول چند اشکال دارند.

۱. مثلاً می‌گویند قدرت خرید از عوارض و حالات پول است و خود پول نیست؛ لذا اگر کسی به دیگری مثلاً یک میلیون تومان قرض بدهد، اینجا نمی‌گویند یک میلیون تومان قدرت خرید قرض داد، می‌گویند یک میلیون تومان قرض داد؛ آن عدد و رقم را می‌گویند، همان ارزش اسمی را می‌گویند قرض داد. چه کسی می‌گوید که من قدرت خرید قرض دادم؟
۲. اینها معتقدند پول اعتباری از حیث ارزش مبادله‌ای و پول بودن هیچ فرقی با پول حقیقی ندارد؛ تفاوت اینها از جهت دیگری است. فرق درهم و دینار با اسکناس در این است که درهم و دینار علاوه بر ارزش مبادله‌ای، یک ارزش مصرفی دارد چون از طلا و نقره درست شده، اما اسکناس و پول اعتباری غیر از ارزش مبادله‌ای هیچ خاصیتی ندارد؛ یک کاغذی است که چهارتا شکل و عدد و رقم روی آن قرار داده‌اند و الا ارزش مصرفی اصلاً ندارد. لذا می‌گویند چون این دو از حیث ارزش مبادله‌ای همانند هم هستند و عمده چیزی که در پول مورد نظر است همین ارزش مبادله‌ای است، نباید فرقی بین پول حقیقی و پول اعتباری گذاشت. در پول حقیقی مثل طلا و نقره هم بالاخره قدرت خرید کاهش پیدا می‌کند؛ شما با یک درهم در یک زمانی یک چیزی می‌توانستید بخرید و بعد از مدتی با همان یک درهم مقدار کمتری می‌توانستید بخرید. اگر شما آنجا قائل به ضمان می‌شوید، اینجا هم باید قائل به ضمان شوید.

۳. اشکال دیگر این است که شما پول را به گونه‌ای تعریف کردید که ارزش مبادله‌ای دارد و اگر ارزش مصرفی هم داشته باشد، ارزش مصرفی آن در همین ارزش مبادله‌ای است. اگر این را به عنوان تعریف بپذیریم، شما می‌گویید مالیت پول به قدرت خرید است و اساساً حقیقت پول را همان قدرت خرید می‌دانید، در حالی که حقیقت پول وابسته به ارزش مبادله‌ای است؛ ارزش مبادله‌ای مهم‌ترین خاصیت و کارکرد پول است. قدرت خرید در واقع آن مقدار ارزش مبادله‌ای است؛ ما اینجا با مقدار کار نداریم؛ پول چیزی است که دارای ارزش مبادله‌ای است، حالا مقدارش هر چه می‌خواهد باشد. اگر یادتان باشد ما قدرت خرید را معنا کردیم و گفتیم قدرت خرید یعنی آن مقدار کالا یا خدماتی که شما می‌توانید در لحظه زمان خریداری کنید؛ به این می‌گویند قدرت خرید. پس قدرت خرید یعنی مقدار ارزش، در حالی که اصل و اساس پول این است که واسطه مبادله است، ارزش مبادله‌ای دارد. این از امور مرتبط با پول است؛ ارزش مبادله‌ای یک چیزی است که هم در پول اعتباری هست و هم در پول حقیقی.

بعضی‌ها اشکالات دیگری هم دارند و می‌گویند ما نمی‌توانیم حقیقت و ماهیت پول را عبارت از قدرت خرید بدانیم. اساس و حقیقت پول همین است که گفتیم، ارزش اسمی؛ از خود عنوان هم پیدا است؛ ارزش اسمی یعنی آن ارزشی که مطرح شده، عدد و رقمی که روی آن کاغذ نوشته شده است؛ پول همین است و چیزی جز این نیست؛ اعتبار کرده‌اند که با این کاغذ به اندازه یک میلیون تومان بتوانید کالا و خدمات بخرید؛ حالا شما با این یک میلیون تومان ۲ کیلو گوشت بخرید یا ۱۰ کیلو، این به عوامل و امور دیگر بستگی دارد. حقیقت پول همین عدد و رقمی است که از سوی منبع صادرکننده بر روی این کاغذ اعتبار شده که دارنده آن می‌تواند به این اندازه خرید کند، حالا هر چه می‌خواهد، یک کیلو نخود بخرد یا ماشین بخرد.

اوایل انقلاب یادم هست که شهریه‌ها در حوزه چقدر بود، قیمت یک یخچال معمولی چقدر بود، قیمت ماشین چقدر بود. یک یخچالی که الان در خانه خیلی‌ها هست، ۱۵۰۰ تومان بود؛ مثل ما که می‌شنیدیم یک چیزی ۱۰ قران بود و برای ما عجیب بود، شما هم که الان می‌شنوید یک یخچال ۱۵۰۰ تومان بود، برای شما خیلی عجیب است. یا مثلاً کل شهریه‌ای که آن اوایل می‌دادند، در حد یکی دو هزار تومان بود.

به هر حال این نظریه در مقابل آن نظریه مطرح است. البته من نمی‌گویم منحصر در اینهاست؛ در این بین برخی از نویسندگان نظراتی را مطرح کرده‌اند؛ مدعی هستند که اینها متفاوت با آنهاست و یک نظریات ابداعی است، طبیعتاً ما در آن مقام نیستیم که بخواهیم همه اینها را مورد بررسی قرار دهیم؛ عمده این دو نظر اصلی است و بقیه اینها به نوعی بازگشت به یکی از این دو نظر می‌کند، که حالا حقیقت پول قدرت خرید است یا ارزش اسمی، ارزش آن به خاطر همان اعداد و ارقام است که تحت عنوان نظریه ارزش اسمی مطرح است.

«والحمد لله رب العالمین»